

مظفر بقایی کیست؟

۸ آذر ۱۳۹۳ ساعت ۱۸:۳۵

دکتر مظفر بقایی، ۲۵ آبان ۶۶ به مرض سفلیس در تهران درگذشت. این پایان زندگی مردی بود که به «مرد شگفت‌انگیز سیاست» ایران لقب گرفته است.

دکتر مظفر بقایی کرمانی یکی از مشهورترین رجال سیاسی تاریخ ایران معاصر است که نام و رد او را در وقایع و حوادث فراوانی می‌توان مشاهده کرد. با بررسی تحولات تاریخ ایران از دهه‌های بیست شمس با نامی مواجه می‌شوید، که نقش‌های متضاد بسیاری را بر عهده می‌گیرد. که نشان از شخصیت پیچیده این مرد رازآلود دارد که دوستان و دشمنان بسیار دارد.

تعبیر گوناگونی در وصف زندگی و رفتار و کردار سیاسی بقایی به کار گرفته از تعبیر جواد جعفری با عنوان «مرد شگفت‌انگیز سیاست ایران» گرفته تا در کتاب دوم از مجموعه اسناد لانه جاسوسی آمریکا، آمریکاییان از او به عنوان «عوام فریب‌ماهر» نام بردند.

مظفر بقایی کرمانی سیاستمدار، وکیل مجلس و رهبر حزب زحمتکشان ملت ایران در ۱۲۹۰ در کرمان زاده شد. پدرش میرزا شهاب‌راوری کرمانی، از فعالان سیاسی دوره مشروطه و نماینده کرمان در مجلس چهارم بود.

با آمدن میرزا شهاب به تهران، مظفر نیز به تهران آمد و مشغول تحصیل شد. در ۱۳۰۸ ش با سهمیه دولتی برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و تحصیلات تکمیلی خود را در رشته فلسفه در دانشگاه سوربن به پایان رساند.

پس از بازگشت به ایران و گذراندن دوره سربازی در کادر اداره دانشکده افسری، به ترتیب، به عنوان مترجم، متصدی ارزیابی در بیمه ایران، رئیس فرهنگ کرمان، وکیل، و نهایتاً مدرس دانشگاه تهران کار کرد. او در ۱۳۱۸ ش ازدواج کرد و هشت سال پس از آن با همسرش متارکه نمود و دیگر ازدواج نکرد.

*بقایی راه رشدش رد فعالیت در حزب جستجو می‌کرد

با رواج فعالیت احزاب سیاسی پس از شهریور ۱۳۲۰، بقایی راه پیشرفت خود را در فعالیت‌های حزبی یافته از این رو بعد از عضویت

و فعالیت در دو حزب اتحاد ملی و کار، وارد حزب دمکرات ایران به رهبری قوام السلطنه شد و توانست در آن حزب رشد کند، به طوری که در ۱۳۲۶ ش عضو هیئت سری تصفیه و دبیر حزب بود و به عنوان نامزد این حزب از کرمان به مجلس پانزدهم راه یافت.

بقایی از دوستان علی زهری و عیسی سپهبدی از کارمندان سفارت فرانسه، و حسن پاکروان رئیس بعدی ساواک و مادر فرانسویش امینه پاکروان بود. او با کمک اینان و حمایت سیاسی رضا حکمت (سردار فاخر) روزنامه شاهد را در ۱۳۲۶ ش تأسیس کرد و با بیان نظریات سیاسی خود در آن جریده، بر شهرت خود افزود.

در دوران نمایندگی مجلس، تا اسفند ۱۳۲۷، در جناح اکثریت بود و حتی از امضای ماده واحده‌ای دایر بر الغای قرارداد نفت جنوب خودداری کرد؛ اما پس از مدتی، به اقلیت مجلس پیوست و به استیضاح دولت ساعد پرداخت و با قرارداد گس-گلشائیان مخالفت نمود.

*بقایی از متحصنین دربار در اعتراض به تقلب‌های انتخابات مجلس شانزدهم بود

وی در اعتراض به تقلب‌های صورت گرفته در انتخابات مجلس شانزدهم، به همراه عده‌ای که سرشناس‌ترین آنها دکتر محمد مصدق بود، در دربار متحصن شد. هسته اولیه جبهه ملی ایران در تحسن شکل گرفت که بقایی از بنیانگذاران آن بود و بعدها دبیر کل آن شد و برای جلوگیری از تقلب در انتخابات، سازمان نظارت بر آزادی انتخابات را تشکیل داد.

این سازمان بعد از انتخابات با عنوان سازمان نگهبان آزادی، که از جمله گروه‌های تشکیل دهنده جبهه ملی ایران بود، به فعالیت خود ادامه داد. بقایی با مخالفت‌های سرسختانه با سپهبد رزم‌آرا و تصویب طرح ملی شدن صنعت نفت ایران و همچنین فعالیت مؤثر در ماجرای خانه سدان در تیر ۱۳۳۰ ش خود را به عنوان یکی از چهره‌های سیاسی کشور مطرح کرد.

در همین دوران، او با خلیل ملکی به همکاری نزدیک پرداخت. پس از مدتی، ملکی به اتفاق هوادارانش به سازمان نگهبان آزادی پیوست و در اردیبهشت ۱۳۳۰ ش آن دو (بقایی و ملکی) حزب زحمتکشان ملت ایران را تأسیس کردند. این حزب پس از مدتی توانست در روشنفکران و کارگران نفوذ کند. هدف اصلی این حزب مقابله با نفوذ حزب توده بود، و مقابله این دو حزب حوادث خشونت‌آمیزی به بار آورد که در نهایت نهضت ملی ایران را تضعیف کرد.

از اوایل ۱۳۳۱ ش، بقایی به تدریج با دولت مصدق به مخالفت پرداخت. در این زمان، در حزب زحمتکشان دو دیدگاه مبنی بر همکاری و عدم همکاری با مصدق به وجود آمد. این شکاف با حوادث سیاسی‌ام تیر عمیقتر شد و پس از مدتی حزب زحمتکشان به دو گروه منشعب شد: حزب زحمتکشان ملت ایران به رهبری بقایی، حزب زحمتکشان ملت ایران (با عنوان نیروی سوم) به رهبری خلیل ملکی، بقایی بر مخالفت خود با مصدق افزود و از شاه آشکارا حمایت کرد؛ به طوری که در ماجرای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

ش، نیروهای بقایی جزو کسانی بودند که به خانه مصدق حمله کردند.

*بقایی از سوی مطبوعات به عنوان «رهبر قیام ملی» براندازی مصدق نام گرفت!

آنان در عملیات کودتا نقش فعال داشتند و مطبوعات پس از کودتا، بقایی را یکی از رهبران «قیام ملی» برای براندازی دولت مصدق معرفی کردند. پس از کودتا، بقایی به علت ناکامی در تصدی سمت نخست‌وزیری، در مخالفت با زاهدی سخنانی گفت که باعث تبعید محترمانه وی به زاهدان شد. در ۱۳۳۹ ش، بقایی با شاه ملاقات کرد و شاه به وی اجازه داد که در انتخابات شرکت کند، اما با باطل شدن انتخابات به علت تقلب، نتوانست به مجلس راه یابد. بقایی به علت انتشار اعلامیه‌ای بر ضد دولت دستگیر و محاکمه شد، ولی در همه محاکمات تبرئه گردید. وی در ۱۳۴۲ ش، فعالیت سیاسی مختصری آغاز و از دولت انتقادهای ملایمی کرد. ساواک برای پراکنده کردن صفوف مبارزان، با فعالیتهای بقایی مخالفت نمی‌کرد.

فعالیت حزب زحمتکشان، از ۱۳۵۰ ش، از سر گرفته شد، ولی این بار این حزب بیشتر به محفل دوستانه شبیه بود تا به سازمان سیاسی جدی. در دهه ۱۳۵۰ ش، بقایی با اعلام وفاداری به سلطنت و اصول قانون اساسی، از تشکیل حزب رستاخیز انتقاد کرد. همچنین در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، تظاهراتی ترتیب داد، ولی مورد توجه مبارزان مسلمان قرار نگرفت.

در ۲۰ تیر ۱۳۵۸ ش، بقایی به همراه عده‌ای از دوستانش، به اتهام توطئه بر ضد انقلاب اسلامی در کرمان دستگیر و مدتی بازداشت شد. در ۲ دی ۱۳۵۸ ش وی مطالبی روی نوار ضبط و تکثیر کرد که به وصیتنامه سیاسی او شهرت یافت. او در این نوار بازنشستگی سیاسی خود را اعلام داشت. اما عملاً به فعالیتهای سیاسی خود ادامه داد. تداوم فعالیت‌های پنهانی بقایی، به ویژه ارتباطش با عوامل خارجی، سبب دستگیری مجدد وی شد. او پس از مدت کوتاهی، در اواخر آبان ۱۳۶۶ ش درگذشت.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۰۲۷۱/کیست-بقایی-مظفر>